راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

صوت 143 اصول علمیه / خصائص اصول العملیه

\*- شاید بتوان گفت اصول عملیه به این صورت خاص شیعه 12 امامی است و در اصول اهل سنت این چنین چیزی وجود ندارد.

\*- اصول عملیه در جایی که ما حکم را از طریق ادله محرزه بدست نیاوردیم، و در واقع وقتی ادله محرزه را بدست نیاوردیم اصول عملیه فقط وظیفه عملی را مشخص میکند.

\*- اصول عملیه معمولا اینها به عنوان قسیم امارات شناخته میشود یعنی می آیند احکام ظاهری را دو قسمت میکنند: یا امارات یا اصول عملیه؛

\*- از جمله مهمترین نقاط افتراق این دو که خیلی به درد ما میخورند این است که امارات در مثبتات خود ( دلالت التزامی شان ) برای ما حجت اند ولی اصول عملیه اینطوری نیست و در مثبتات خودشان حجت نیستند.

در حلقه ثالثه جزء اول شهید مفصل از این بحث کرد.

ما میخواهیم ببینیم که اینکه امارات و اصول عملیه هر دو از احکام ظاهری هستند، چه حقیقی در امارات است و در اصول عملیه نیست که سبب شده امارات در مثبتات خودشان حجت باشد ولی اصول عملیه در مثبتات خودشان حجت نباشند.

برای کشف این نکته ما باید برویم سراغ تفاوت میان امارات و اصول و فرق این دو با هم چیست ؟ چرا ما یک عده از ادله را میگفتیم امارات و یک عده را میگفتیم اصول عملیه؛

تفاوت در این است که دیدگاههای مختلفی است: دیدگاه میرزای نائینی، دیدگاه شیخ انصاری، دیدگاه آقای خوئی و دیدگاه خود شهید صدر.- شهید البته در اینجا خلاصه میگویند و همه را میگویند در سابق گفتیم " عرفنا فی ما سبق ". –

\*- در ابتدای حلقه ثالثه شهید صفحه 32 نشر مرکز الابحاث والدراسات شهید صدر، این بحث را مفصل میگویند. گفتیم اماره دارای درجه ای از کشف است ولی در اصول عملیه حیثیت کاشفیت آنها مدنظر نیست.

\*- اگر در حکم ظاهری، مجعول طریقیت و کاشفیت باشد داخل در امارات میشود ولی اگر مجعول اعتبار شده دارای طریقیت و کاشفیت نباشد یعنی صرفا حکم ظاهری آمده است وظیفه عملی را مشخص کند، داخل در اصول عملیه میشود.

\*- در مورد تقسیم بندی احکام ظاهری، با مجعول اعتباری کار داریم که دارای کاشفیت است یا نیست ؟ یعنی فرق بین این دو این است که در عالم جعل و اعتبار چگونه است اگر به لسان کاشفیت بود امارات و اگر به لسان کاشفیت نبود اصل عملیه است.

\*- شهید صدر میگوید درست است که لسان دلیل باید اینطوری باشد ولی لسان دلیل برای مهم نیست، در واقع اختلاف عمیق تری در این دو نوع حکم ظاهری است. شهید میفرماید : ما دانستیم که احکام ظاهریه بازگشتش در خطاباتی است که اون خطابات تعیین میکند ملاکات و مبادی واقعی مهمتر. یعنی میگوید اون ملاکات واقعی مهمتر کدام هستند. در واقع در مورد یک مسأله حرمت میاد بگوید حرمت است و وجوب بگوید وجوب است و اختلاف میشود بر روی حکم آن مسأله و حکم ظاهری می آید میگوید که واقعا کدام یک از وجوب یا حرمت اینجا ملاکش در این مسأله مهمتر است. چرا دعوا است ؟ چون ما واقع را نمی­دانیم و به نوعی احتمال هر کدام است.

\*- شهید در ادامه میفرماید اون اهمیتی که سبب شده که شارع مقدس جعل احکام ظاهری کند به سه حالت میتواند لحاظ شود.

اون اهمیت یا لقوة احتمال یا لقوة المحتمل یا لقوة الاحتمال و المحتمل معاً است.

لقوة احتمال : یعنی تمام موضوع برای جعل دلیلیت همین احمال باشد یعنی کاشفیتش آن قوی است مثل خبر واحد ثقه ؛ شارع آمده تمامی اخبار واحد ثقه را از زمان تشریع الی یوم القیامه را بررسی کرده و دیده اخبار واحد ثقه در امور شرعیه 80 درصد موارد ما را به واقع میرساند. پس این احتمال اینکه ما را به واقع برساند شارع در علم خودش دیده است این احتمال خیلی بالا است و شارع چون قوت احتمال دیده است گفته ما به این میگوییم اماره. پس هرجا حجیت لقوه احتمال بود بحث اماره است. در اینجا کاشفیت برای شارع مهم است.

در مقابل این جایی است که محتمل یعنی حکم مشکوک این خیلی برایش مهم بوده مثل مسأله دماء و فروج؛ مسأله خون آدمها؛ اینجا جایی نیست که بخواهد کوتاه بیاید. اینجا میگوید باید چهارنفر با چشم خود با تسلط دیده باشد. مثال دیگر فرض کنید 10 نفر هستند که یکی از آنها امام است. شما بخاطر اینکه امام را حتما تکریم کرده باشید هر 10 تا را اکرام میکنید با اینکه احتمال آن یک دهم باشد. درست است احتمال کم است ولی محتمل خیلی مهم است زیرا بالاخره امام در بین آنها است.

اصل عملی غیرمحرز یا غیر تنزیلیه، از این نوع است. مثل اصالة الاحتیاط در این اصل شارع کاری به احتمال ندارد،بلکه محتمل برایش مهم است. مثلا باید 4 شاهد برای زنا بیاورید زیرا محتمل یعنی آبرو فرد برایش مهم است.

مثل اصالة­البرائة یا اصالة­الاباحة ؛ در این مورد شارع خواسته ما در حالت راحتی و رها باشیم. اصلا کاری ندارد که بگوید اصالة البرائة عموما درست در می­آید. نه اصلا کاری ندارد به این درست در می­آید یا درست در نمی­آید. شارع در اینجا میگوید اینجا محتمل برای من مهم است مثل اینکه عباد در یک آسایش باشند.

\*- جایی که قوت احتمال و قوت محتمل مطرح است. این بخش در مورد اصول عملیه تنزیلیه مطرح است. مثل قاعده فراغ؛

شهید صدر آنچه میان اماره و اصل و اصل عملی تنزیلی و غیر تنزیلی فرق میگذارد این است. بحث کجا بود ؟ اینجا بود که اماره ، مثبتات آنها حجت است و اصول عملیه ، مثبتات آنها حجت نیست ؟ چرا یکی مثبتات آن حجت است و یکی نیست. فرق شان در همین قوه احتمال و قوه محتمل است که در اماره کاشفیت آنها مطرح بوده است، و در اصول ، کاشفیت آنها مطرح نیست. و چون در اماره کاشفیت آن مطرح است طبیعتا مثبتات آنها هم پذیرفته است.

\*- اشکال آقای خوئی بر نظر مرحوم نائینی : میرزای نائینی میگوید خداوند که آمده اماره را حجت قرار داده است، میگوید اماره بمنزله علم است. یعنی این را هم به علم وصل کرده ولی علم تعبدی زیرا مثلا 80 درصد یقین آور است و خود شارع آمده گفته من 20 درصد میذارم روی اون و شما بپذیرید. و بعد میگوید همانطور که مدلول التزامی علم حجت است الان اماره که جزو علم شده این هم دلالت التزامی­اش حجت است.

پاسخ آقای خوئی ( البته به تقریب ما ) این است که میفرماید شما مغالطه کردید شما گفتید اماره علم و کل علم حجة ؛ خب اماره علم تعبدی است و در اون طرف میگویند کل علم وجدانی دلالت التزامی اش حجت است. یکی علم تعبدی است در یک طرف قیاس شما و در طرف دیگر با علم وجدانی دارید نتیجه می­گیرید.

\*- خاصیت فرق بین اماره و اصل این است که :

1- هر جا اماره بود اصل را کنار میگذاریم.

2- مثبتات اماره حجت است ولی مثبتات اصل حجت نیست.

...............................................................................................................................

سئوال : شهید صدر در ابتدای حلقه ثانیه میگوید مثبتات اماره حجت نیست یا اون مثبتاتی حجت است که .....